

گزارشی از نشست ایدئولوژی و برنامه‌درسی آیا نظام آموزشی ایران ایدئولوژی زده است؟

مسعود تویسرکانی

اشاره

نشست علمی-تخصصی «ایدئولوژی و برنامه‌درسی» ۲۲ آبان‌ماه از سوی «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» با همکاری «انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران» و «انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران» و به میزبانی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» برگزار شد. این رویداد از نظر احترام، پذیرش و رسمیت قائل شدن برای نقد از سوی وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درخور توجه و اهمیت بود. ضمن قدرنهادن به تلاش ارزشمند برگزارکنندگان و بانیان نشست، امید است چنین رویکردی در معاونت‌ها و سازمان‌های وزارت آموزش و پرورش گسترش یابد. چرا که همکاری آموزش و پرورش با صاحب‌نظران و استقبال از رویکردهای انتقادی و بین‌رشته‌ای دانشگاهیان و محققان منتقد، هم به کاهش ضریب خطا و هم به افزایش اعتبار و اطمینان تصمیمات و برنامه‌های نهاد آموزش و پرورش خواهد انجامید.

دکتر نعمت‌الله فاضلی، دکتر محمود مهرمحمدی و دکتر یحیی قائدی، جریان برنامه‌ریزی درسی را با خوانشی انتقادی مورد نقد و بررسی قرار دادند. همچنین دکتر زهرا گويا، دکتر علی لطیفی، دکتر حسن ملکی و دکتر محمد حسنی از دیگر سخنرانان دو پنل این نشست بودند. آنچه در ادامه از نظر تان می‌گذرد گزارشی از مهم‌ترین مباحث نشست است.

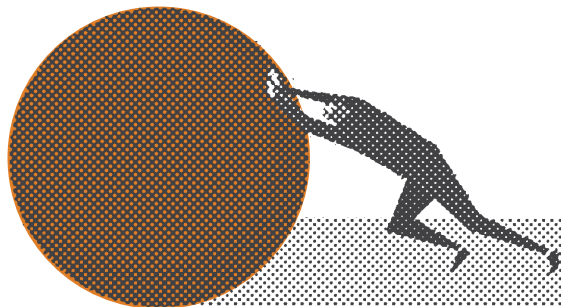
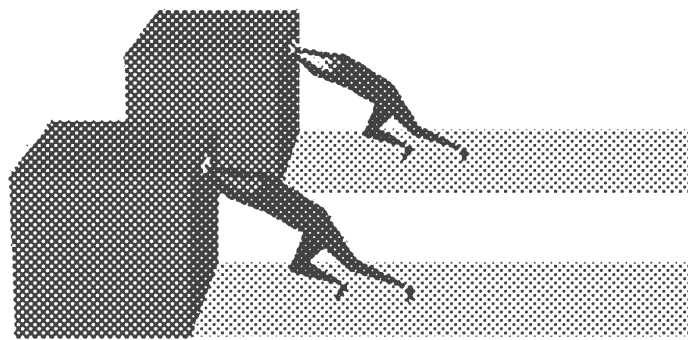
دکتر نعمت‌الله فاضلی، استاد «دانشگاه علامه طباطبایی» در نشست تخصصی ایدئولوژی و برنامه‌درسی اظهار داشت: «این پرسش مطرح است که: ایدئولوژی چرا و چگونه محل یادگیری

است؟ در همه جای دنیا وقتی مسئله یادگیری را عمیق بررسی کنیم، چه در چین، آمریکا یا ایران، یادگیری شیوه‌ اعمال ایدئولوژی است.»

جان تامسون در کتاب «ایدئولوژی و فرهنگ مدرن» می‌گوید: «ایدئولوژی شیوه‌های به خدمت گرفتن صور نمادین برای تولید و بازتولید سلطه است. بنده با این تعریف موافقم و در اینجا ایدئولوژی مسئله می‌شود. آن بخش از ایدئولوژی برای ما مهم است که به درگیری و کنش در حوزه آموزش و پرورش که مسئولیت اصلی آن یادگیری است، می‌انجامد.» استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: «قطعاً انسان با اخلاق، ارزش‌ها، سیاست و قدرت درگیر است. به همین دلیل نمی‌تواند از هنجارها، ارزش‌ها و باورها پاک شود. اما ما کجا مجازیم که بحث کنیم؟ آنجا که ایدئولوژی محل یادگیری می‌شود. ایدئولوژی از نظر بنده شیوه و روش به کارگیری صور نمادین است. اینکه نظام آموزشی قدرت تولید کند، هیچ اشکالی ندارد و اساساً نظام آموزشی برای این است که جامعه توانمند و ثروتمند تولید کند. حتی اینکه روابط بین انسان‌ها و گروه‌ها در مسیر قدرت باشد، اجتناب‌ناپذیر است. اما مشکل از آنجا آغاز می‌شود که قدرت را به سلطه تعبیر کنند.»

نظام آموزشی در برخی موارد سلطه تولید می‌کند

فرق نظام‌های ایدئولوژیک با دیگر نظام‌ها در ایدئولوژیک بودنشان نیست، بلکه در نحوه مواجهه آن‌ها با آن دیدگاه هنجاری است که ایجاد می‌کنند. به دلیل همین فرق است که نظام ایدئولوژی تولید نابرابری می‌کند، فردیت را سرکوب



استاد دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد: «هم‌اکنون ۴۰ سال از انقلاب اسلامی گذشته و ما برای نخستین بار در آموزش و پرورش نشستیم و دربارهٔ ایدئولوژی صحبت می‌کنیم. ایدئولوژی در کشورهایی همچون فنلاند و دانمارک هم وجود دارد.

تفاوت ایدئولوژی در نوع اعمال قدرت است

وی بیان داشت: «تفاوت آشکار بین نوع ایدئولوژی‌ها در نظام آموزشی این است که قدرت را آشکار اعمال می‌کنند یا پنهان. در فنلاند، قدرت پنهان اعمال می‌شود و لازمهٔ آن توجه به عزت و کرامت انسان‌ها، حقوق بشر و کارآمدی نظام آموزشی است. سازوکارهایی باید در نظام آموزشی ایجاد شوند تا قدرت در آن عریان نباشد. اگر ایدئولوژی به شکل عریان، اعمال قدرت کند، بدخیم و مخل یادگیری است.

هیچ محقق نمی‌گوید همه جای دنیا ایدئولوژی مسلط است، پس همه جا، نظام‌ها مثل نظام کشور ماست. ایدئولوژی آموزش سلطه را ایجاد نمی‌کند. همه جای دنیا نظام‌های آموزشی بخشی از سامان سیاسی جامعه هستند. سیاست اجتناب‌ناپذیر و مطلوب است، اگر به شیوه‌ای اعمال شود که انسانی و کم‌هزینه باشد.»

سایهٔ نظام ارزشی بر نظام آموزشی گریزناپذیر است

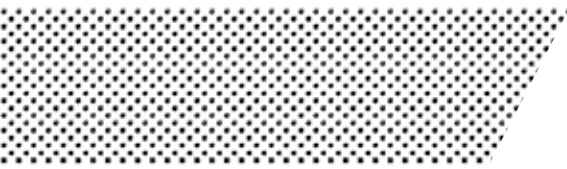
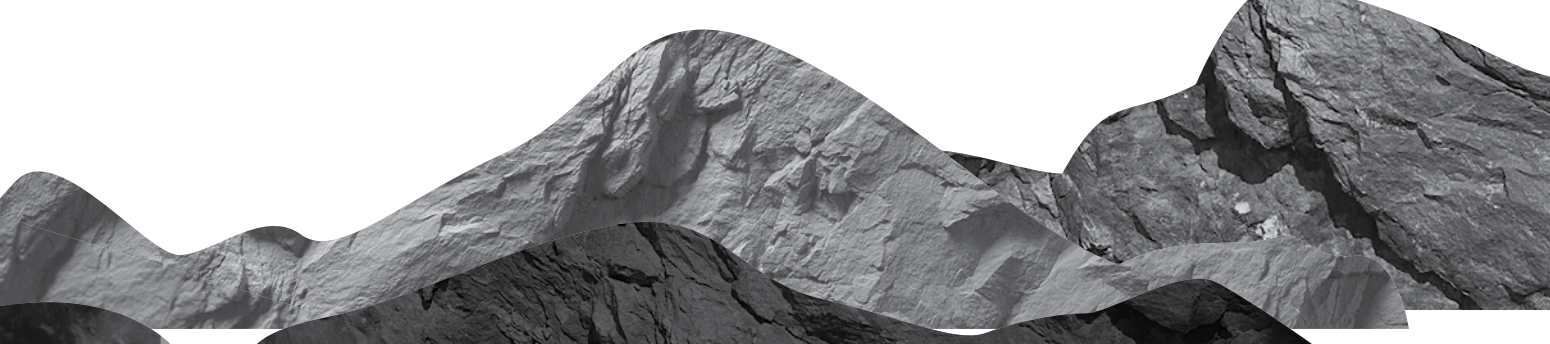
دکتر محمود مهرمحمدی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس نیز در این نشست گفت: «ابتدا باید تفاوت بین استقرار و حاکمیت یک ایدئولوژی بر برنامهٔ درسی با ایدئولوژیک‌زدگی یک برنامهٔ درسی یا نظام آموزشی را متوجه شد تا اینکه بدانیم چگونه یک نظام آموزشی از داشتن

می‌کند، با واقعیت یادگیری ناسازگار است و امکان یادگیری را محدود می‌کند، پویایی‌های اجتماعی را دچار اختلال می‌کند، نظم اجتماعی را سامان نمی‌دهد، انسان توانمند و کارآمد پرورش نمی‌دهد، حافظ منافع گروهی خاص است، گروه مسلط را بازتولید می‌کند. پس در این نظام هر هنجاری، هر شیوه‌ای از هنجاری و هر شیوه‌ای از اعمال قدرت مجاز است و با گفتن اینکه همه جای دنیا همین‌طور است، آسمان همه‌جا همین رنگ است، و ... ایدئولوژی را موجه می‌سازند.»

فاضلی ادامه داد: «جاهایی، نظام آموزشی قدرت تولید نمی‌کند، بلکه فقط سلطه به‌وجود می‌آورد. قدرت اجتناب‌ناپذیر است، اما آنجا مشکل ایجاد می‌کند که اعمال قدرت یک‌سویه شده است و پاسخ‌گو و سازنده نیست. فقط برای بازتولید و سلطهٔ گروه و خاصی است. اتفاقاً این سلطه هزینهٔ تولید قدرت را بالا می‌برد و به کارکردهای نظام آموزشی منجر نمی‌شود. بیشتر مقاومت تولید می‌کند.»

ایدئولوژی‌زدگی برنامهٔ درسی ایران چه تبعاتی دارد؟

دکتر فاضلی بیان کرد: «ایدئولوژی‌زدگی برنامهٔ درسی در ایران باعث اختلال در یادگیری، بالا رفتن مقاومت در نظام آموزشی و پرهزینه شدن تولید قدرت شده است. نظام‌های آموزشی به مرض ایدئولوژیک مبتلای ذاتی دارند و ای کاش این گونه نبود. این مرض‌ها انواعی دارند که برخی حاد و کشنده است. برای مثال، در انگلیس هم نظام آموزشی ایدئولوژیک است، اما اجازهٔ تنوع، تکثر و آزادی را هم می‌دهند و معلم می‌تواند نظام خود را نقد کند.»



آدم‌هایی که حامی آن گونه فکر ایدئولوژیک باشند. ایدئولوژی در عین حال یک هوشمندی منفی دارد. خودبازساز است و نه خود اصلاحگر. مثل آدم خلاف کاری که مدام روش‌های خلاف کاری‌اش را به‌روز می‌کند؛ یعنی هوش را در جهت مثبت به کار نمی‌گیرد.

من در برنامه درسی ملی بودم. ما اول مأمور شدیم که پژوهش کنیم. ده پژوهش تعریف شد که آن‌ها قرار بود پایه برنامه درسی ملی باشند. رئیس یکی از آن‌ها هم من بودم. من قرار بود پژوهش‌های گوناگون را مرور کنم. ده هزار پژوهش را دسته‌بندی کردم و آن‌ها را در ۱۳ طبقه درآوردم تا بگویم در هر حوزه وضعیت پژوهش‌ها چگونه است؟ هنوز تحقیق من درنیامده بود، سند ملی درآمد.

شش یا هفت عنصر آموزش و پرورش ما ایدئولوژیک است. آموزش و پرورش ما به تبعیت از «ایدئولوژی» محتوای کتاب‌ها را تغییر می‌دهد.

برنامه درسی غیرایدئولوژیک وجود ندارد

حسن ملکی، معاون طراحی و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در نشست تخصصی ایدئولوژی و برنامه درسی، طی سخنانی اظهار کرد: «در جمهوری اسلامی ایران بسیار بیشتر از برخی کشورهای دیگر احتیاج داریم که نسبت بین ایدئولوژی و برنامه درسی را روشن‌تر بیان کنیم، ابهامات را برطرف سازیم و به سؤالات پاسخ دهیم. تا در فضای شفاف به طراحی و تدوین برنامه درسی بپردازیم. ما اصولاً برنامه درسی غیرایدئولوژیک نداریم. یعنی نمی‌توانیم برنامه درسی داشته باشیم که ایدئولوژیک و آمیخته به نظام ارزشی نباشد؛ این محال است. هر نظریه‌ای مبتنی بر دستگاه فکری و فلسفی تولد می‌یابد و از آن دستگاه یک مجموعه نظام فکری و ارزشی تولید می‌شود که به مرکز فرماندهی و اتاق فکر مرئی و نامرئی تبدیل خواهد شد.»

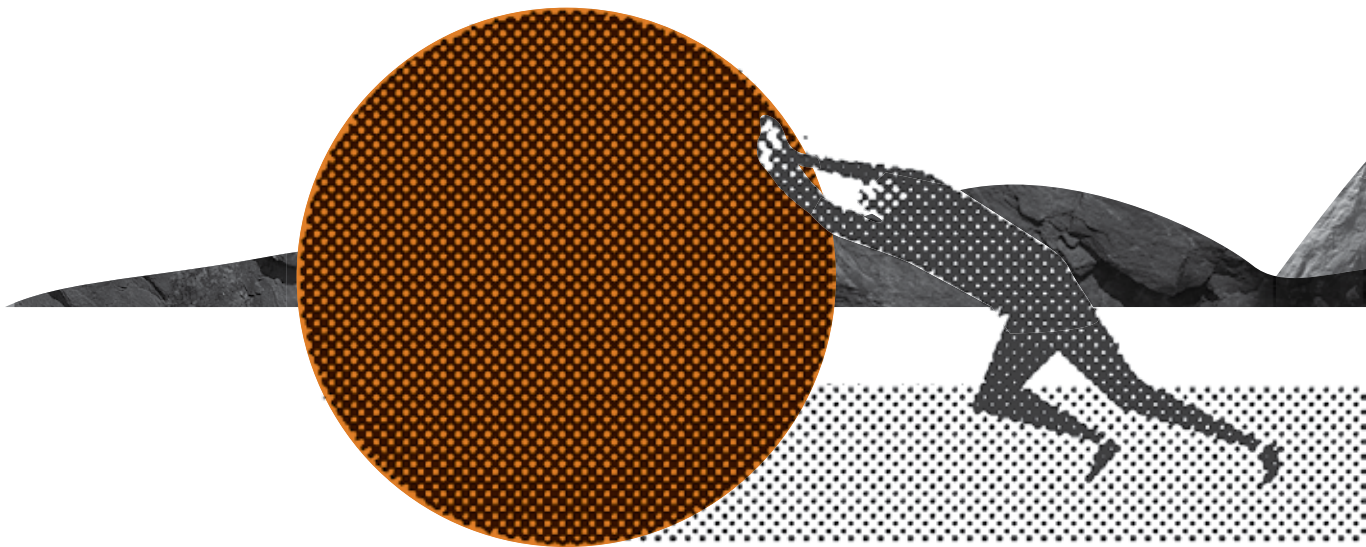
ایدئولوژی‌گریزی ندارد، یا اینکه آن ایدئولوژی را با چه متر و معیاری بسنجیم. زمانی ایدئولوژی به معنای انتقادی از کارایی ساقط می‌شود که ما بگوییم آن را قابل نقد و ارزیابی نمی‌دانیم. ما به ملاک‌ها و معیارهایی برای نقد ایدئولوژی‌ها و چشم‌اندازهای تربیتی نیاز داریم. ما به **متا ایدئولوژی** نیاز داریم تا امکان نقد ایدئولوژی را به ما بدهد. تا بدانیم که آیا ایدئولوژی در صحنه نظام آموزشی کارکرد مثبت داشته است یا نه. از پذیرفتن سایه یک نظام ارزشی بر نظام تربیتی و درسی‌گریزی نیست و اگر به متر فرایدئولوژی دست پیدا نکنیم، نمی‌توانیم حضور یک نظام ارزشی را در نظام آموزشی مورد نقد قرار دهیم. هیچ نظام آموزشی برای تبعیت از سنت تربیتی و نظام ارزشی‌گریزی ندارد.»

مهرمحمدی یادآور شد: «یک ایدئولوژی باید برای نظام آموزشی انتخاب شود، تا ماتریس ارزشی تعریف نشود. برای اینکه بدانیم در تعلیم و تربیت به دنبال چه هستیم، برنامه درسی مبنایی پیدا نمی‌کند. آنچه پیش‌ران نظام آموزشی است، فرهنگ، ایدئولوژی و سنت برنامه درسی خاص در قالب چارچوب ارزشی است. برای اینکه برنامه درسی برخوردار از ایدئولوژی را ایدئولوژیک نکنیم، لازم است به متر فرایدئولوژی برسیم که به ما بگوید حقیقت تربیت چیست و ما را از شبه تربیت دور کند تا بتوانیم بگوییم کدام برنامه درسی ایدئولوژیک یا ایدئولوژی‌زده است.»

برخورد ایدئولوژیک با اسناد بالادستی

دکتر **یحیی قاعدی**، طی سخنانی در این نشست گفت: «موضوع سخنرانی من این است که: آیا نظام آموزش و پرورش ایران و برنامه درسی، ایدئولوژیک - البته در معنای منفی‌اش - است یا نه؟

آموزش و پرورش ایدئولوژیک، آموزش و پرورش است که نیاز ندارد تفکر در آن پرورش پیدا کند، مگر گونه خاصی از فکر و



معاون طراحی و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی گفت: «پائولو فریره یکی از نظریه‌پردازان برنامه‌دستی است که در الگوی نظریه انتقادی جای می‌گیرد. نام نخستین کتاب او آموزش ستم‌دیدگان بود. این کتاب گویای آن است که یک فعال سیاسی می‌خواهد از طریق برنامه‌دستی، ستم‌دیدگان را آزاد کند. بنابراین از ایدئولوژی پیشرفت‌گرایی شاخه‌ای ایجاد می‌کند و در برابر این ایدئولوژی موضع می‌گیرد. او تأکید دارد: توجه ایدئولوژی پیشرفت‌گرایی به کودک و تجربیات او به حد افراط رسیده و برهمین اساس از نیازهای اجتماعی بازمانده است. به همین دلیل موضع‌گیری ایدئولوژیک کرده و نظریه بازسازی‌گرایی اجتماعی را ارائه داده است.

روح برنامه‌دستی یک نظام هنجاری و ارزشی است. نوع نظام‌های هنجاری فرق می‌کند، چون هر یک منبعث از یک دستگاه فلسفی است و این دستگاه‌ها با هم متفاوت هستند. در جمهوری اسلامی ایران، اگر بر پایه فلسفه تربیتی اسلام و ایدئولوژی اسلامی به طراحی و تدوین برنامه‌دستی دست بزنیم و آن را متناسب با ادبیات برنامه‌دستی ترویج کنیم، این کار درست است.

پس به طور طبیعی می‌توان یک دستگاه فلسفی را شرح داد و نظام ارزشی منبعث از آن را مطرح و برنامه‌دستی را طراحی کرد؛ همانند برنامه‌دستی ملی کشور ما. یعنی تا اینجا می‌توان پذیرفت که در این کشور می‌توانیم فلسفه‌های متعدد و ایدئولوژی‌های گوناگون را نقد کنیم و بر پایه نظام ارزشی خود از برنامه‌دستی حرف بزنیم.»

هژمونیک شدن نسبت علوم تجربی با علوم انسانی

دکتر علی لطیفی دیگر سخنران این نشست گفت: ادبیات مربوط به ایدئولوژی و ارتباط آن با نظام آموزشی ادبیاتی نابسند است و چالش‌هایی اساسی دارد. ما هنگام بحث درباره موضوع باید بسترهای فرهنگی را مدنظر قرار دهیم. ما یک نظام ارزشی داریم که اگر در خدمت نظام سلطه قرار گیرد تبدیل به ایدئولوژی می‌شود. وضع آموزش و پرورش ما خوب نیست، اما دلیل ارتباط ایدئولوژی با آن روشن نیست. در نظام آموزشی، نوع قشربندی دانش، تولید نظام آکادمیک، هژمونیک شدن نسبت بین دانش پزشکی و علوم فنی و علوم انسانی از مصادیق ایدئولوژی است.

ایدئولوژی‌زدگی برنامه‌دستی

معاون طراحی و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی گفت: «اما درباره ایدئولوژی‌زدگی که مطرح می‌شود و می‌گویند برنامه‌های درسی ایران بدین شکل است. باید بگوییم: ایدئولوژیک بودن با ایدئولوژی‌زدگی متفاوت است، برنامه‌



ایدئولوژی با سیاست و عمل عجین است

دکتر زهرا گویا طی سخنانی در این نشست نقطه نظرات خود را چنین بیان کرد: ایدئولوژی مجموعه‌ای از باورها و دکترین‌هاست که با آن دنیا و کارکرد هر آنچه که در آن است تعبیر و تفسیر می‌شود و معنا پیدا می‌کند. ایدئولوژی همچنین خوبی و ارزش را تعیین می‌کند و دنیای آرمانی را که غایت رسیدن فرد و جامعه به آن است به تصویر می‌کشد. ایدئولوژی ذاتاً هنجاری است و با متر و ملاکی که ارائه می‌کند توجیه‌کننده و رواج‌دهنده نوع خاصی از روابط اجتماعی، سیاسی و انسانی است و باقی را محکوم کرده و طرد می‌کند.

در حقیقت ایدئولوژی با سیاست و عمل عجین است و با مجموعه ایده‌های تشکیل‌دهنده خود ابزاری برای دیدن دنیا، ساختن واقعیت، فهم و درک جهان و پیش‌بینی آینده ارائه می‌کند. ایدئولوژی برای مفهوم فضیلت، اخلاق، ارزش تعیین تکلیف می‌کند و بدین سبب نقش و جایگاهش در نظام‌های آموزشی و برنامه درسی مورد مناقشه است.

نقد ادعای «ایدئولوژیک شدن کتاب‌های درسی»

حجت‌الاسلام علی ذوعلم، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اگر چه در این میزگرد حضور نداشته‌اند اما در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم درباره برخی ادعاهای مبنی بر ایدئولوژیک شدن کتاب‌های درسی اظهار داشته‌اند: «ایدئولوژیک بودن کتاب‌های درسی که برخی از آن نام می‌برند، تعبیر غلطی است. اینکه می‌گویند کتاب‌های درسی ایدئولوژیک شده‌اند، به چه معنی است؟ ایدئولوژیک شدن معانی و کاربردهای مختلف دارد. اگر منظور این است که کتاب‌های درسی نوعی تعصب‌ورزی را به دانش‌آموزان القا می‌کنند، باید بگویم کتاب‌های درسی پیش روی شما هستند، در کدام بخش این کار را انجام می‌دهند؟! حتی کتاب‌های دین و زندگی و هدیه‌های آسمانی نیز اندیشه‌ورزی، تفکر و

پرسشگری را در دانش‌آموزان رشد می‌دهند؛ چون مبنای اندیشه اسلامی بر تفکر، عقلانیت و اندیشه‌ورزی است. بنابراین ایدئولوژیک بودن کتاب‌های درسی حرف درستی نیست و اگر کسی در این زمینه مطلبی می‌گوید، باید به صورت موردی شواهدش را ارائه دهد.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با رد اینکه برخی می‌گویند در ۴۰ سال اخیر نتوانسته‌ایم به طور کامل در تربیت دانش‌آموزان مؤثر باشیم، گفت: «در جوامع پیشرفته هم ریزش‌هایی وجود دارند و اختلاف نسل جوان و نوجوان با نظام حاکم بسیار بیشتر است. برای خانواده‌ها بسیار مهم است که فرزندشان به کدام مدرسه می‌رود. هم‌اکنون افراد زیادی با بنده تماس می‌گیرند، و از من مشورت می‌خواهند. حتی خانواده‌هایی که ممکن است نسبت به برخی مسائل چندان حساس نباشند هم برایشان مهم است که فرزندشان به چه مدرسه‌ای می‌رود و چه آموزه‌هایی به او منتقل می‌شود. برای خانواده‌ها مهم است که فرزندشان با اخلاق صحیح و توانمند تربیت می‌شود یا بدون مسئولیت و بی‌قید و بند بار می‌آید.»

حجت‌الاسلام ذوعلم تأکید کرد: «اگر نهاد مدرسه در جامعه ما نبود، آن وقت می‌فهمیدیم که جامعه به چه مصیبتی دچار می‌شد. دانش‌آموزان در مدرسه بسیاری از آداب و مهارت‌ها را به دست می‌آورند، پس مدرسه نقش مؤثر و کارآمدی داشته است. اما در یک گستره ۱۴ میلیونی دانش‌آموزان هر چقدر هم تلاش کنیم باز هم جای کار دارد. آیا دانشگاه‌ها کاملاً توانمند و مؤثر بوده‌اند؟ در تمام عرصه‌های تبلیغی، فرهنگی، آموزشی، دانشگاهی، حوزوی و آموزش‌وپرورش این سؤال مطرح است. اما مسئولیت آموزش‌وپرورش بسیار گسترده‌تر از بقیه است. چون ۱۴ میلیون دانش‌آموز در حساس‌ترین مقطع سنی هر روز چندین ساعت در مدرسه حضور دارند و انتظارات جامعه - که به حق است - از آموزش‌وپرورش بسیار است و باید تلاش بیشتری کنیم.»